حقیقت شفاعت و شفاعت حقیقی

مرتضی مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم

حقیقت شفاعت و شفاعت حقیقی

نویسنده:

مرتضی مطهری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حقیقت شفاعت و شفاعت حقیقی

مشخصات کتاب

مولف:مرتضی مطهری

انواع شفاعت صحیح

شفاعت صحیح شفاعتی است که در آن نه استثناء و تبعیض وجود دارد و نه نقض قوانین و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است. شفاعت صحیح تأکید کننده قانون و حافظ نظام است. شفاعت صحیح که تأیید کننده قانون و حافظ نظام است و آیات و روایات زیادی از طریق شیعه و سنی وجود آن را اثبات میکند بر دو گونه است: ۱- شفاعت رهبری یا شفاعت عمل ۲ - شفاعت مغفرت یا شفاعت فضل نوع اول شفاعتی است که شامل نجات از عذاب و نیل به صفات و حتی بالا رفتن درجات می باشد و نوع دوم شفاعتی است که تأثیر آن در از بین بردن عذاب و در مغفرت گناهان است و حداکثر ممکن است سبب وصول به صفات و ثوابها هم بشود ولی بالا برنده درجه شخص نخواهد بود و این محال است. درباره آن، رسول اکرم(ص) فرموده است: «ادخرت شفاعتی لاخل الکبائر من امتی اما المحسنون فما علمهم من سبیل، من شفاعتم را برای گناهکارانی از امت که مرتکب گناه کبیره شده اند ذخیره کرده ام، اما نیکوکاران مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند». در بحث عذاب اخروی اعمال و کردارهائیکه انسان در دنیا مرتکب می گردد، در جهان دیگر تجسم و تمثل پیدا می کنند و حقیقت عینی آنها جلوه گر می شود. حتی نه تنها اعمال تجسم پیدا می کنند بلکه روابط نیز مجسم می گردد، روابط معنوی ای که در این جهان بین مردم برقرار است در آن جهان صورت عینی و ملکوتی پیدا می کنند. زمانی که یک انسان سبب هدایت انسانی دیگر می شود رابطه رهبری و پیروی

در میان آنان در رستاخیز به صورت عینی در می آید و " هادی " به صورت پیشوا و امام، و " هدایت یافته " به صورت پیرو و مأموم ظاهر می گردد. در مورد گمراه ساختن و اغواء هم همینطور است. قرآن کریم می فرماید: «یوم ندعوا کل اناس بامامهم»(اسراء /. ۷۱). " روزی که هر مردمی را با پیشوای ایشان می خوانیم ". یعنی هر کسی با پیشوای خودش، یعنی با همان کس که عملاـ الگوی او و الهام بخش او بوده است، محشور می گردد. درباره تجسم پیشوایی فرعون نسبت به قوم خود در آخرت، می فرماید: «یقدم قومه یوم القیمه فاوردهم النار»(هود /. ۹۸). " فرعون پیشاپیش اتباع و پیروانش حرکت می کند، پس در آتش واردشان می سازد ". فرعون که در این جهان، گمراه و پیشوای گمراهان بوده، و گمراهان دیگر قومش گام جای گام او می گذاشتند، در آن جهان نیز به صورت قائد و امام آنان مجسم می شود. فرعون، شفیع و واسطه قوم خود می باشد هم در دنیا و هم در آخرت. شفیعی است که در دنیا موجب گناهان و ضلالت ها بوده است و در آخرت واسطه رسانیدن به دوزخ و آتش. شفیع و واسطه بودن او در بردن قوم به دوزخ در جهان آخرت، همانا تجسم واسطه بودن او در جهان دنیا در گمراهی قومش است. نکته جالب در تعبیر قرآن این است که می فرماید فرعون قوم خود را در آن جهان وارد دوزخ می سازد. قرآن با این تعبیر خود تجسم تأثیر فرعون را در گمراهی پیروانش گوشزد می کند و می گوید همانطور که در دنیا فرعون آنها را وارد گمراهی کرد، در آخرت آنها

را وارد دوزخ می کند؛ و بلکه وارد کردن آنها به دوزخ در آن جهان عینا ظهور و تجسم وارد کردن آنها در گمراهی در این جهان است.

شفاعت مغفرت

دومین نوع شفاعت، وساطت در مغفرت و عفو و بخشیدن گناهان است. این معنای از شفاعت است که آماج اشکالها و ایرادهای منتقدین و منکرین قرار گرفته است البته نه تنها ایرادی بر آن وارد نیست بلکه از معارف عالی و گرانقدر اسلام است و مبنای خاصی دارد که عمق معارف اسلامی را می رساند. شفاعت واقعی از آن خدا است و از خدا شروع می شود و به گناهکار ختم می گردد. آیاتی از قرآن کریم که می گوید امکان ندارد شفاعت بدون اذن خدا صورت بگیرد ناظر به همین نکته است، مخصوصا در این باره تعبیری فوق العاده جالب و عجیب دارد که می فرماید: «قل لله الشفاعه جمیعا؛ بگو شفاعت، تماما مخصوص خداست»

جاذبه رحمت الهی در سعادت انسانها

برای نیل به سعادت، علاوه بر جریان اعمال و گامهایی که خود انسان بر می دارد، یک جریان دیگری نیز همیشه در جهان است و آن جریان رحمت سابقه پروردگار است. در متون دینی آمده است: «یا من سبقت رحمته غضبه؛ ای کسی که رحمت او بر غضبش تقدم دارد». حافظ در غزل معروف خود می گوید: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو گفتم ای بخت بخسبیدی و خورشید دمید گفت با اینهمه از " سابقه " نومید مشو مقصود حافظ از " سابقه "، سبقت رحمت پروردگار است، ممکن هم هست که مقصود او چیز دیگر باشد که در آیه کریمه: «ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون؛ البته کسانی که قبلا از جانب ما به آنها وعده ی نیکو داده شده، از آن (عذاب) دور نگاه داشته شدگانند» (انبیاء /

۱۰۱) بدان اشاره شده است. به هر حال این واقعیتی است که در نظام هستی، اصالت از آن رحمت و سعادت و رستگاری است و کفرها و فسقها و شرور، عارضی و غیر اصیل می باشند و همواره آنچه که عارضی است به سبب جاذبه رحمت تا حدی که ممکن است برطرف می گردد. وجود امدادهای غیبی و تأییدات رحمانی یکی از شواهد غلبه رحمت بر غضب است. مغفرت پروردگار و زایل ساختن عوارض گناه یکی دیگر از شواهد تسلط رأفت و مهربانی او بر غضب و قهر می باشد.

رابطه مغفرت الهی با شفاعت

مغفرت الهی چه ارتباطی با شفاعت دارد؟ مغفرت الهی مانند هر رحمت دیگر دارای نظام و قانون است. جهان دارای نظام است، اختلاف موجودات لازمه نظام هستی است و تفاوت موجودات با یکدیگر نه قراردادی است و نه آفریده شده بلکه لازمه ذات آنها یعنی لازمه هویت آنها و نحوه وجود آنهاست، نبودن این تفاوتها عین نبودن خود آنهاست و با فرض وجود آنها فرض عدم تفاوت، غیر معقول است. امکان ندارد هیچیک از جریانهای رحمت پروردگار بدون نظام انجام گیرد. به همین دلیل مغفرت پروردگار هم باید از طریق نفوس کملین و ارواح بزرگ انبیاء و اولیاء به گناهکاران برسد و این لازمه نظام داشتن جهان است. به همان دلیلی که رحمت وحی بدون واسطه انجام نمی گیرد و همه مردم از جانب خدا به نبوت برانگیخته نمی شوند و هیچ رحمت دیگر هم بدون واسطه واقع نمی شود، رحمت مغفرت هم بی واسطه ممکن نیست تحقق پیدا کند. اگر فرضا هیچ دلیل نقلی بر شفاعت در دست نبود ناچار بودیم از راه عقل و براهین قاطعی از قبیل

برهان امکان اشـرف و نظام داشـتن هستی به آن قائل شویم. وقتی کسی وجود مغفرت خدا را بپذیرد، مبانی محکم عقلی، او را ناچـار می سازد که بگویـد جریان مغفرت بایـد از مجرای یک عقل کلی یا یک نفس کلی یعنی عقل و نفسـی که دارای مقام ولایت کلیه الهیه است صورت گیرد، امکان ندارد که فیض الهی بیرون از قانون و حساب به موجودات برسد. ولی خوشـبختانه قرآن کریم ما را در اینجا نیز رهبری فرموده است، با ضمیمه کردن روایات اسلامی، خصوصا با توجه به آنچه در روایات معتبر و شامخ شـیعه در باب ولایت کلیه رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السـلام و مراتب ولایت در طبقات پایین تر اهل ایمان رسـیده است چنین استنباط می کنیم که وسیله مغفرت تنها یک روح کلی نیست بلکه نفوس کلیه و جزئیه بشری با اختلاف مراتبی که دارند هر کدام سـهمی از شـفاعت دارند و این یکی از مهمترین معارف اسـلام و قرآن است که تنها در مذهب مقدس شیعه به وسیله ائمه اطهار و شاگردان مکتب آنها خوب توضیح داده شده است، لهذا از افتخارات این مذهب شمرده می شود.

شرایط شفاعت یا مغفرت

با توجه به اینکه شـفاعت همان مغفرت الهی است که وقتی به خداوند که منبع و صاحب خیرها و رحمتها است نسبت داده می شود بـا نـام " مغفرت " خوانـده می شود و هنگامی که به وسائط و مجاری رحمت منسوب می گردد نام " شـفاعت " به خود می گیرد، واضح می گردد که هر شـرطی برای شمول مغفرت هست برای شمول شفاعت نیز هست. از نظر عقلی شرط مغفرت چیزی جز قابلیت داشتن شخص برای آن نیست. اگر

کسی از رحمت خدا محروم گردد صرفا به موجب قابل نبودن خود او است نه آنکه – معاذ الله – در رحمت خدا محدودیت و ضیقی باشد. رحمت خدا همچون اعتبار بانکی یک بازرگان نیست که محدود باشد. اعتبار رحمت الهی نامحدود است، ولی قابلها متفاوتند. ممکن است کسی بکلی فاقد قابلیت باشد و نتواند از رحمت خدا بهره ای بگیرد. از نظر متون دینی این اندازه مسلم است که کفر به خدا و شرک، مانع مغفرت است. قرآن کریم می فرماید: «ان الله لا ـ یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء؛ خدا شرک را نمی آمرزد و آنچه پایین تر از شرک است برای هر کس که بخواهد می بخشد» (سوره نساء / ۱۱۶). شفاعت صحیح شفاعتی است که در آن نه استقثاء و تبعیض وجود دارد و نه نقض قوانین و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است. شفاعت صحیح تأکید کننده قانون و حافظ نظام است. اگر ایمان از دست برود رابطه انسان با مغفرت یکباره بریده می شود و دیگر بهره برداری از این لطف عظیم امکان نخواهد داشت. زمانی که بر دل آدمی مهر کفر زده شود مانند ظرف دربسته ای می گردد که اگر در همه اقیانوسهای جهان فرو برده شود قطره ای آب به درون آن نخواهد رفت. وجود چنین فردی همچون شوره زاری می گردد که آب رحمت حق در آن بجای گل، بوته های خار پدید می آورد. باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ، لاله روید و در شوره زار خس اگر در شوره زار، گل نمی روید، از کمبود باران نیست از قابل نبودن زمین است. قرآن کریم سعه رحمت

پروردگار را از زبان حاملین عرش چنین بیان می کند: «الـذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم و یؤمنون به و یستغفرون للـذین آمنوا ربنـا وسعت کل شـی ء رحمه و علما فاغفر للـذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عـذاب الجحیم؛ حاملین عرش و آنان که در گرد عرشند به حمد و تسبیح پروردگارشان اشتغال دارند و به وی مؤمنند و برای کسانی که ایمان دارند آمرزش می طلبند که پروردگارا رحمت و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است پس بیامرز آنان را که بسوی تو باز آمده اند و راه تو را پیروی نموده انـد و آنان را از عـذاب دوزخ حفظ فرما» (سوره غافر/۷) از این آیه کریمه می توان هم نامحدود بودن رحمت خدا را فهمید و هم شرط اساسی لیاقت برای استفاده از مغفرت را. از آیات کریمه قرآن چنین استنباط می گردد که ایمان به خدا شرط لازم و ضروری نیل به شفاعت و مغفرت است ولی شرط کافی نیست. هیچکس هم نمی تواند جمیع شرایط را به صورت قطعی بیان کند، خدا خودش می داند و بس. در آیه ای که مغفرت گناهانی دیگر غیر شرک را نوید می دهد قید «لمن یشاء» (یعنی برای هر کس که بخواهد) وجود دارد و در آیات شفاعت هم قید «و لا یشفعون الا لمن ارتضی»" (انبیاء / ۲۸) (یعنی شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خدا بپسندد) هست و این هر دو به یک معنی است. گویی قرآن نخواسته است که همه شرایط شمول شفاعت را بطور صریح بیان کند؛ بلکه خواسته است قلوب را در میان خوف و رجاء نگهدارد. از اینجا می توان فهمید که اشکالی

که می گوید عقیده به شفاعت موجب تجری است، ناوارد است.

شفاعت واقعی از آن خداست

شفاعت واقعی از آن خدا است و از خدا شروع می شود و به گناهکار ختم می گردد. آیاتی از قرآن کریم که می گوید امکان ندارد شفاعت بدون اذن خدا صورت بگیرد ناظر به همین نکته است، مخصوصا در این باره تعبیری فوق العاده جالب و عجیب دارد که می فرماید: «قل لله الشفاعه جمیعا؛ بگو شفاعت، تماما مخصوص خداست» (زمر / ۴۴). این آیه در کمال صراحت، شفاعت و وساطت را تأیید می کند و در کمال صراحت همه شفاعتها را از خدا و متعلق به خدا می داند، زیرا خداست که شفیع را، شفیع قرار می دهد. این آیه ممکن است تنها ناظر به شفاعتی باشد که در قیامت صورت می گیرد و به اصطلاح مربوط به " قوس صعودی " باشد، ممکن هم هست که شامل مطلق واسطه ها و وساطتهای رحمت باشد، یعنی شامل " قوس نزولی " هم باشد. به عبارت دیگر ممکن است شامل تمام نظام سببی و مسببی جهان باشد، به هر حال از آن جهت که به شفاعت اخروی مربوط است، به این معنی است که مجرم بدون خواست خدا قدرت شفیع برانگیختن ندارد و شفیع بدون اذن او قدرت دم زدن ندارد. برهان این مطلب از لحاظ عقلی این است که در فلسفه الهی ثابت شده است که " واجب الوجود واجب من جمیع الجهات و الحیثیات است ". یعنی همانطوری که واجب الوجود در ذات خود، معلول غیر نیست، در صفات و افعال خود نیز امکان ندارد که تحت تأثیر علتی قرار گیرد، او مؤثر محض است و از هیچ

چیزی انفعال و تأثر پیدا نمی کند. نکته ای عالی و مهم در توحید عبادتی این است که در توسل و استشفاع به اولیاء خدا اول باید تحقیق کرد که به کسی و از کسی باشد که خداوند او را وسیله قرار داده است. به گفته بعضی از مفسران اساسا حقیقت شفاعت همان توسل به اسماء حسنای خداوند است، توسل به رحمانیت و غفاریت و ستاریت او است، بنابراین هر گونه شفاعتی سرانجام به ذات پاک او بر می گردد، با این حال چگونه می توان از غیر او بدون اذن او شفاعت طلبید. قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید» (سوره مائده / ۳۵). بطور کلی، توسل به وسائل و تسبب به اسباب، با توجه به اینکه خداست که سبب را آفریده است و خداست که سبب را سبب قرار داده است و خداست که از ما خواسته است از این وسائل و اسباب استفاده کنیم به هیچ وجه شرک نیست، بلکه عین توحید است. در این جهت، هیچ فرقی میان اسباب مادی و اسباب روحی، میان اسباب ظاهری و اسباب معنوی، میان اسباب دنیوی و اسباب اخروی نیست، منتهای امر، اسباب مادی را از روی تجربه و آزمایش علمی می توان شناخت و فهمید که چه چیز سبب است؟ و اسباب معنوی را از طریق دین، یعنی از طریق وحی، و از طریق کتاب و سنت باید کشف کرد. ثانیا هنگامی که

انسان متوسل می شود یا استشفاع می کند باید توجهش به خدا، و از خدا به وسیله و شفیع باشد، زیرا چنانکه گفتیم شفاعت واقعی آن است که مشفوع عنده(در اینجا یعنی خداوند)، شفیع را برانگیخته است برای شفاعت، و چون خدا خواسته و رضایت داده است شفیع شفاعت می کند. بر خلاف شفاعت باطل که توجه اصلی به شفیع است برای اینکه اثر بر روی مشفوع عنده بگذارد، به همین جهت مجرم در این وقت همه توجهش به شفیع است که برود و با قدرت و نفوذی که در مشفوع عنده دارد او را راضی گرداند. پس اگر توجه اصیل به شفیع باشد و از ناحیه توجه به خدا پیدا نشده باشد شرک در عبادت خواهد بود. شفاعت نه با توحید عبادتی منافات دارد و نه با توحید ذاتی، زیرا رحمت شفیع چیزی جز پرتوی از رحمت خدا نیست و انبعاث(برانگیختگی) شفاعت و رحمت هم از ناحیه پروردگار است. خداوند در سوره زمر آیات ۴۳ تا ۴۴ می فرماید: «أَم اتخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ شفَعَاءَ قُلْ أَ وَ لَوْ كانُوا لا يَمْلِكُونَ شيْئاً وَ لا يَعْقِلُونَ- قُل لِّلَّهِ الشفَعَةُ جَمِيعاً لَّهُ مُلْك السمَوَتِ وَ الأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ آیا غیر از خدا شفیعانی برای خود گرفته اند؟ بگو: آیا هر چند مالک چیزی نباشند و تعقل نکنند؟ بگو تمام شفاعت از آن خدا است، زیرا حاکمیت آسمانها و زمین از آن او است و سپس همه به سوی او باز می گردید». سخن از انحراف مشرکان در مساله شفاعت به میان می آورد تا به آنها ثابت کند مالک شفاعت همان مالک مرگ و حیات آدمی است،

نه بتهای فاقد شعور، می فرماید: آنها غیر خدا را شفیعان خود برگزیدند (ام اتخذوا من دون الله شفعاء). از آنجا که شفاعت اولا فرع بر درک فهم و شعور است، و ثانیا فرع بر قدرت و مالکیت و حاکمیت، در دنباله آیه در پاسخ آنها چنین می فرماید: به آنها بگو آیا از آنها شفاعت می طلبید هر چند مالك چیزی نباشند، و حتی درک و شعوری برای آنها نباشد؟! (قل او لو کانوا لا یملکون شیئا و لا یعقلون). اگر شفیعان خود را فرشتگان و ارواح مقدسه می دانید آنها از خود چیزی ندارند، هر چه دارند از ناحیه خدا است، و اگر از بتهای سنگی و چوبی شفاعت می طلبید آنها علاوه بر عدم مالکیت کمترین عقل و شعوری ندارند، این بهانه ها را رها کنید، و رو به سوی کسی آورید که مالکیت و حاکمیت تمام عالم هستی برای او است، و تمام خطوط به او منتهی می گردد. به همین جهت در آیه بعد اضافه می کند: بگو تمام شفاعت از آن خدا است (قل لله الشفاعه جمیعا). چرا که مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن او است، و سپس همه شما به سوی او باز می گردید (له ملك السماوات و الارض ثم الیه ترجعون). و به این ترتیب آنها را به کلی خلع سلاح می کند، چرا که توحیدی که بر کل عالم حاکم است می گوید شفاعت نیز جز به اذن پروردگار ممکن نیست «من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه؛ چه کسی است که نزد او جز به اذن و فرمان او شفاعت کند؟!»

(بقره / ۲۵۷). به گفته بعضی از مفسران اساسا حقیقت شفاعت همان توسل به اسماء حسنای خداوند است، توسل به رحمانیت و غفاریت و ستاریت او است، بنابراین هر گونه شفاعتی سرانجام به ذات پاك او بر می گردد، با این حال چگونه می توان از غیر او بدون اذن او شفاعت طلبید؟خداوند در جای دیگر می فرماید: «وَ لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهاً ءَاخَرَ لا إِلَهَ إِلا هُوَ كلُّ شیْء هَالِكٌ إِلا وَجْهَهُ لَهُ الحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ و معبود دیگری را با خدا مخوان که هیچ معبودی جز او نیست، همه چیز جز ذات پاك او فانی می شود، حاکمیت از آن اوست و همه به سوی او بازمی گردید» (سوره قصص/ ۸۸).جمعی از وهابیین اصرار دارند مساله توسل و شفاعت با حقیقت توحید سازگار نیست گاهی به آیه فوق و آیات مشابه آن، استدلال کرده اند، آنها می گویند: قرآن صریحا از عبادت و پرستش غیر خدا و اینکه نام کسانی را همراه نام خدا ببریم نهی کرده است ((فلا تدعوا مع الله احدا؛ سوره جن آیه ۱۸). در حالی که منظور از این گونه آیات مسلما این نیست که ما اشخاص دیگری را صدا نزنیم، منظور همان چیزی است که از کلمه مع الله (با خدا) استفاده می شود، یعنی اگر کسی کار خدا را از غیر خدا بخواهد و او را مستقل در انجام آن بداند، مشرك است. ما اگر ما همه قدرتها را مخصوص خدا بدانیم و کسی را با او همراه و مبدء اثر نشناسیم، ولی معتقد باشیم اولیاء خدا به اذن و فرمان او شفاعت می کنند

و به آنها متوسل شویم که در پیشگاه خدا برای ما شفاعت کنند، این عین توحید است و این همان چیزی است که مکرر در آیات قرآن به آن اشاره شده است. شفاعت نه با توحید عبادتی منافات دارد و نه با توحید ذاتی، زیرا رحمت شفیع چیزی جز پرتوی از رحمت خدا نیست و انبعاث(برانگیختگی) شفاعت و رحمت هم از ناحیه پروردگار است. آیا هنگامی که برادران یوسف به پدر گفتند: "یا ابانا استغفر لنا؛ ای پدر برای ما از خداوند آمرزش بطلب» (سوره یوسف - ۹۷) این شرک بود؟! یا هنگامی که قرآن می گوید: «و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جائوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما؛ اگر آنها هنگامی که به خود ستم می کنند (و مرتکب گناهی می شوند) نزد تو آیند و از خدا طلب آمرزش کنند و پیامبر نیز برای آنها استغفار کند، خدا را تواب و رحیم می یابند» (نساء/۶۴) دعوت به سوی شرك است؟! حقیقت شفاعت و توسل نیز چیزی جز این نیست.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹